

# ریشه‌های این ستیز

## پس انسان چه می‌شود؟

### میلاد نوری

«اورشلیم» که در اصل به معنای «صلح» می‌باشد، همواره با «ستیز» پیوند داشته است. چه پیش از فتح اورشلیم توسط داوود (ع) در 1000 ق.م و چه پس از ساختِ معبد مقدّس به دست سلیمان (ع)، این شهر عرصه کشاکش میانِ مصریان و یونانیان و رومیان و ایرانیان و اعراب بوده است. اورشلیم که پس از بنای معبد مقدّس توسط سلیمان (ع) به سکونتگاه مرکزی یهودیان بدل شد، با ظهور مسیح (ع)، زادگاهِ دین نوینی گشت که بسیاری از یهودیان، رومیان و یونانیان به آن گرویدند. به این ترتیب، این شهر نزد مسیحیان نیز جایگاهی مقدّس یافت. با این حال، حکمرانی رومیان در دو قرن نخست میلادی، اورشلیم را به شهری بت پرست و بی‌اهمیت تبدیل کرد.



این شهر که در قرآن بیت‌المقدّس نامیده شده است، همچنین قبله‌گاه نخست مسلمانان بود که معراج پیامبر اسلام (ص) نیز از آنجا آغاز شد. زمانی که عُمر، خلیفه دوم مسلمین، اورشلیم را فتح کرد، معبد مقدّس را پاكسازی نمود و مسجدالاقصي را در آنجا بنا کرد. به این ترتیب، پیروان هر سه دینِ یهودی، مسیحی و اسلامی به مقدّس بودن این شهر و مکان‌های پیرامونی‌اش باور دارند. پس از فتح اورشلیم توسط مسلمانان که در 637 م. در نبرد با امپراتوری بیزانس رقم خورد، تا آغاز جنگ‌های صلیبی، به سبب رواداری مسلمانان و

همراهی ایشان با اهل کتاب، سرزمین مقدس و مکان‌های پیرامونی‌اش جایگاه صلح بود؛ چنان‌که مسلمانان، یهودیان و مسیحیان ارتدوکس با یکدیگر همزیستی داشتند. اما این صلح با تخریب کلیسای مقبره مقدس توسط خلیفه فاطمی در 1009م. دچار گسست شد و این گسست با هجوم مسلمانان سلجوق فزونی گرفت. در این‌میان، انگیزه‌های حکمرانان اروپا برای بازپس‌گیری سرزمین‌هایی که تعلق تاریخی به امپراتوری روم داشتند، چالش‌های مذهبی را با تنش‌های سیاسی همراه می‌کرد. پاپ اوربان دوم، این زمینه‌های تاریخی را به چشم فرصتی می‌نگریست تا با برانگیختن یک جنگ صلیبی، مقام خود را تقویت و اروپای مسیحی را یکپارچه سازد. به این ترتیب، جنگ صلیبی نخست با هدف بازپس‌گیری سرزمین‌های مقدس، به دستور پاپ اوربان دوم در سال 1095 م. آغاز گشت.

در نخستین جنگ صلیبی که راهبان مسیحی و کاتولیک‌های پرشور به راه انداختند، نه تنها مسلمانان، بلکه بسیاری از یهودیان و مسیحیان ارتدوکس نیز کشته شدند. صلیبی‌ها توانستند با وحشی‌گری‌های مقدس خود، انطاکیه را در 1098م. و اورشلیم را در 1099م. به تصرف خود درآورند و بر سوریه و فلسطین سلطه یابند. شاید برای کسانی که ستیز معاصر میان مسلمانان و یهودیان را دیده‌اند، شگفت‌انگیز باشد که یهودیان و مسلمانان در نخستین جنگ صلیبی در کنار هم با صلیبی‌ها جنگیدند؛ صلیبی‌ها آنان را قتل عام و شهر را غارت کردند. در این‌میان، پراکندگی و فقدان قدرت سیاسی در سرزمین‌های اسلامی بیش از هر چیز زمینه‌ساز این واقعه بود. با این حال، صلاح‌الدین ایوبی در نیمه دوم قرن 12م. بر این مشکلات فائق آمد و توانست بیت‌المقدس را تصرف کند و با امپراتوری بیزانس متحد شود. حکمرانی صلاح‌الدین بر اورشلیم و مسجدالاقصی، طی معاهده صلح میان وی و ریچارد شیردل به رسمیت شناخته شد.



اگرچه حکمرانی مسلمانان بر اورشلیم میان سال‌های 1228م. تا 1244م. دچار وقفه‌ای کوتاه مدت شد، اما در سال 1244م. این سلطه تثبیت شد و برقرار ماند و در دوران ایلخانان مغول نیز استمرار یافت که در

1291م. بر مسیحیان فائق آمدند. پس از جنگ‌های صلیبی، آنچه از امپراتوری بیزانس بر جای ماند، بخشی از سرزمین‌های آسیای صغیر با مرکزیت قسطنطنیه بود که 1453م. به دست ترکان عثمانی و در دوران حکمرانی سلطان محمد دوم فتح شد. عثمانی‌ها که با قرارداد آماسیه در سال ۱۵۵۵م. با ایرانیان به صلح رسیده بودند، گستره حکمرانی خود را در غرب وسعت بخشیدند؛ چنان‌که در سال 1566م. در زمان مرگ سلیمان قانونی، سرزمین‌های تحت حکمرانی ایشان نه تنها تمام خط ساحلی مدیترانه در شمال آفریقا را دربر می‌گرفت، بلکه شامل سرزمین یونان و جزایر مربوط به آن نیز می‌شد؛ این وسعت، عثمانی‌ها را به نقش‌آفرینان اصلی دریای مدیترانه تبدیل می‌کرد. در تمام این دوران، از وقتی حاکمان عثمانی خودشان را خلیفه و رهبر مسلمانان جهان نامیدند و در مقابل اسپانیایی‌ها و پرتغالی‌ها به عنوان بزرگ‌ترین نیروی صلیبی قرار گرفتند تا زمان فروپاشی امپراتوری عثمانی در 1924م. سرزمین‌های مقدس تحت حکمرانی مسلمانان قرار داشت. پس از جنگ جهانی دوم و با شکل‌گیری نظم نوین جهانی که پیرامون منافع قدرت‌های سیاسی مدرن شکل گرفت، یهودیان مدعی بازپس‌گیری سرزمین‌هایی شدند که به باورشان به آنان تعلق داشت. جنبش صهیونیستی با تأکید بر این نکته شکل گرفت که قوم یهود تا قبل از تصرف اورشلیم به دست رومیان در 200 ق.م. سکونتگاه یهودیان بوده و اینک نیز چنین باید باشد. این جنبش که نام خود را وامدار تپه‌ای در اورشلیم است، از همان آغاز در پی بازگرداندن یهودیان به سرزمین‌های مقدس بود که آن را «سرزمین موعود» می‌نامند. اگرچه، انحصارطلبی و ستیزه‌جویی این جریان فکری به مخالفت‌های مذهبی و سیاسی بسیاری دامن زد، اما حمایت‌های بی‌دریغ نظم نوین جهانی با انگیزه‌های پیدا و پنهانش، به شکل‌گیری دولت یهودی در سرزمین‌های مقدس انجامید. به این ترتیب، ایده‌ای که نخستین بار در کتاب رم و اورشلیم اثر موشه هس در 1862م. تبیین گشت و در کتاب کشور یهود اثر تئودور هرتزل در 1896م. بسط یافت، به شکلی عینی تحقق یافت. این ایده‌ها به شکل‌گیری عریان‌ترین خشونت ممکن علیه غیریهودیان و به‌ویژه مسلمانان انجامید که اورشلیم و سرزمین‌های مقدس را از سلطه رومیان رها نیده بودند و برای قرن‌ها با یهودیان و مسیحیان ارتدوکس در صلح زیسته بودند. افراطی‌گری صهیونیستی با وجود دل‌بستگی‌های مذهبی مسلمانان به بیت‌المقدس و انگیزش‌های سیاسی ناشی از موقعیت جغرافیایی و امکان‌های سیاسی سرزمین فلسطین، به ستیزی بی‌وقفه انجامیده است. همچنان جنگ مقدس در سرزمین‌های مقدس و با شعارهای مقدس ادامه دارد، اما اغلب کسی نپرسیده یا نمی‌پرسد که چرا باید این‌همه را «مقدس» نامید. پس «انسان» چه می‌شود؟

□□□□□□ 1403 □□□□ 14 □□□□□□ □□□□□□ :□□□□